

ناراحتی عصبی و روحی

باور کنید از آن پس من دچار ناراحتی های عصبی و روحی بسیاری شده ام. تنی چند از کارمندان که از سالها پیش تر او را می شناسند به من گفته اند که او با کسانی که نمی خواهد کار کند چنین رفتاری می کند تا آنها خسته شده و محیط کار را ترک کنند، اما من از مدت ها پیش تر روی این کار و نقشی که در آینده من و شوهرم ایفا خواهد کرد حساب باز کرده ام. حتی رفتار من نسبت به نامزدم هم تغییر کرده است و بسیار نسبت به او بداخلاق شده ام. البته او به من اصرار می کند که به کار خود در شرکت پایان دهم و در جای دیگری دنبال اشتغال باشم. نامزدم معتقد است که با توجه به رشته من که هم هنری و هم فنی است، من برای استخدام شدن مشکلی نخواهم داشت، اما من نمی خواهم آن همه سابقه را رها کنم و حقیقت دیگر این است که نمی خواهم در برابر او احساس شکست داشته باشم. احساسی که بدون تردید او را ارضاء می کند. اما از سوی دیگر همه زندگی خود را تحت تاثیر مشکلات کاری مشاهده می کنم، ضمن آنکه انگیزه و اشتها برای کار را هم از دست داده ام و این امر هم سبب شده که او بیشتر مرا مورد انتقاد قرار دهد. و حالا به شمار روی آورده ام که به من کمک کنید و بهترین راه را به من نشان دهید که چگونه از این مخمصه خود را نجات دهم. بخصوص در شروع زندگی زناشویی به آرامش دست یابم تا زندگی مشترکمان را برای خود و شوهر آینده ام تبدیل به جهنم نکنم. لطفاً هر چه زودتر مرا راهنمایی کنید.

به کم کاری می کند. حتی برخی اوقات تصور می کند که او نسبت به من حسادت می کند چرا که او هنوز از دواج نکرده است. یک روز در حالی که او به تازگی کار خود را آغاز کرده بود، من و دوستم که هر دو در شرف از دواج هستیم، به نزد او رفتیم و از روی ادب از او خواستیم تا به عنوان میهمان ویژه در مراسم عقد و عروسی ما شرکت داشته باشد. اما او ناگهان با چهره ای گرفته رو به ما کرد و گفت که اینجای یک اداره است و مکانی برای مطرح شدن امور خصوصی و مسخره بازی نیست. در واقع او مراسم از دواج ما را به مسخره بازی تشبیه کرده بود که بر من بسیار گران آمد و اگر چه حرفی نزد، اما با غضب دفتر او را ترک کردم. از آن روز به بعد رفتار او نسبت به من حتی بدتر هم شده است.



رئیس و مرئوس

سرکار خانم گ - چ از تهران مشکل خود را چنین مطرح کرده اند:

دختری ۲۶ ساله هستم که عنقریب و طی چند ماه آینده با نامزدم پیمان زناشویی خواهیم بست. نامزدم جوانی ۳۰ ساله با نیرو و انرژی کاری فراوان است و ما بسیار هم به یکدیگر علاقه مندیم. هر دو هم شاغل هستیم ضمن آنکه تحصیلات دانشگاهی هم داریم. من در رشته گرافیک رایانه ای تحصیل کرده ام و نامزدم هم مهندس برق است. در واقع همه چیز به خوبی و خوشی و مطابق برنامه برای ما پیش می رفت تا اینکه حدود سه ماه پیش تر مدیر قسمت ما عوض شد و یک بانوی ۳۹ ساله به عنوان مدیر انتخاب شد. حال اگر چه مدیر قبلی که او هم یک بانو بود روابط بسیار حسنه ای با ما داشت و بخصوص برای من مانند یک خواهر بزرگتر عمل می کرد، اما در مقابل مدیر عامل تازه، من سعی کردم تا از ابتدای کار شروع کنم و ابتداءً رو حیات او را بشناسم و بعد در صورتی که موضع را مناسب یافتم آنگاه با او صمیمی تر شوم، اما زهی خیال باطل. نمی دانم بر چه مبنایی او از همان روز اول بنای بد رفتاری را بر من گذاشت. این در حالی بود که من هیچگونه رفتار و یا کینه ای بر علیه او نداشتم. اما او مرتباً از کار من ایراد می گیرد و مرا متهم

پرسش ویژه

اهمیت سازش

سرکار خانم گ - چ از تهران:

ابتدا باید این نکته را یادآور شوم که احساس می کنم توضیحات کاملی در مورد رفتارهای خودتان با مدیر مربوطه، مطرح نکرده اید، چرا که من بعید می دانم که ابتدا به ساکن، یک مدیر باتجربه، در حالی که نیاز دارد به اینکه در مکان جدیدی که تازه مشغول کار شده، روابط حسنه ای داشته باشد و تاثیر خوبی از خود به جای بگذارد، ناگهان رفتار و خلق و خوی ناپسندیده ای از خود نشان بدهد چرا که این امر نه به نفع او است و نه منافع محیطی را که او مدیریت آن را بر عهده دارد، رعایت می شود. در واقع نه تنها هیچ نفعی از چنین رفتاری به دست نمی آید، بلکه تاثیرات کاملاً منفی بر جای گذاشته می شود. پس قبول می کنید که من نمی توانم دلایل شما را قانع کننده تلقی کنم. البته یک موردی را که شما یادآور شده اید و می تواند مورد موشی باشد اینکه شما و دوست همکاران هر دو در شرف آغاز زندگی زناشویی هستید، با چهره های بشاش و خوشحال به نزد او رفته اید و البته قصد و نیت شما کاملاً خیر خواهانه و حتی مودبانه بوده است، اما بیاید خودتان را به جای یک بانوی ۳۹ ساله که هنوز از دواج نکرده بگذارد و ناگهان دو دختر آنهم خوشحال و خندان را در برابر خود مشاهده می کنید که خبر از دواج عنقریب خود می دهند. در حقیقت می خواهم بگویم که نحوه کار و ظاهری که در آن جلسه از خودتان نشان داده اید، بسیار ناشایسته بوده

پاسخ ویژه

است و برای کسی که کمی حساس باشد و تحمل چندانی نداشته باشد، می تواند یک فخر فروشی و حتی تمسخر تلقی شود. حال اگر اتفاق دیگری رخ نداده و هیچگونه دلیل واقعی دیگری وجود نداشته باشد، تردیدی ندارم که او حرکت شما را بدین معنا تلقی کرده که قصد داشته اید چنین یادآوری به مشکل او که در نزدیکی های میانسالگی هنوز از دواج نکرده داشته باشید و آنگاه خواسته اید به نوعی خودتان را بر تر از او از نظر مقام و مرتبه اجتماعی نشان دهید، که البته برای او قابل قبول نبوده است.

استراتژی نادرست

حال این رفتار ناشایسته از جانب شما باعث واکنش و استراتژی نادرست از جانب او بوده است. در واقع برای آنکه خود را در برابر شما به اثبات برساند و در حقیقت به شما بفهماند که در آنجا چه کسی در کنترل است و چه کسی حق دارد، رفتاری را که از آن ذکر کرده اید در قبال شما پیش گرفته است. او در حقیقت می خواهد به شما بقبولاند که دلیل از دواج نکردن او شایسته نبودن نیست بلکه مشغله و درگیر بودن در کار و وظیفه است که خود را غرق آن کرده است. اصولاً نیازی به این نبوده که شما و دوستان به نزد او بروید و به جای خوشامدگویی و گفتن تبریک و تهنیت به خاطر پست تازه، از او دواج و جشن مربوط به آن بگویید. این عمل شما به معنای آن بوده که مرکز ثقل آن ملاقات را که قاعدتاً باید مدیر تازه باشد، به سوی خودتان منتقل کرده اید و خوددواز دواج خودتان را دلیل آن ملاقات جلوه داده اید و

این امر بر او بسیار گران آمده است. اما همانگونه که قبلاً اشاره کردم همه این رفتارها و واکنش ها به خاطر یکسری سوء تفاهم ها است که کار و آنهم ناشی از عدم شناخت کافی نسبت به یکدیگر بوده است.

چه باید کرد؟

اولاً بیایید و گفته های این و آن را درباره مدیر خودتان، فراموش کنید. در این میان همه می خواهند آتش بیار معرکه شوند و برای خود شیرینی هر کسی ایده ای را ارائه می دهند و مطمئن باشید همانطور که به من ز دشمامی آید و از او و رفتار او می گویند، به نزد او هم می روند و از شما و عاداتهای شما می گویند، بنابراین باید خودتان مستقیماً رفتار کنید. در اسرع وقت به نزد او بروید و دقیقاً از همان جلسه ابتدایی خود بگویید و اینکه متوجه نشده بودید که صحبت شما تا چه اندازه می تواند حساسیت های او را برانگیزد. آنگاه از او عذرخواهی کنید و به او بگویید که تنها هدف شما ارائه کار و وظیفه در بهترین و بالاترین حد ممکن است و بس و بقیه مسائل خصوصی است و به محیط کار ربطی ندارد. در واقع سعی کنید آن دلخوری و حساسیت را از دل او خارج کنید و همه چیز را از نو آغاز کنید. من تردیدی ندارم که با توجه به حسن نیت و خلوص شما با کمی شکسته نفسی از پس این مهم بر می آید و در آستانه از دواج پر از برکت خود آرامش لازم را برای خودتان در محیط کار برقرار می کنید، ضمن آنکه روابط حسنه ای را هم با مدیریت آغاز می کنید. موفق و پیروز باشید